

مطالعه انتقادی نظریه‌های قانون طبیعی تجربه‌گرایان در دوره جدید

محمد حسین طالبی*

چکیده

آموزه «قانون طبیعی» یکی از مشهورترین، قدیمیترین و کارآمدترین موضوعات حکمت عملی در اندیشه غربی است. این آموزه در شاخه‌های گوناگون علوم انسانی، همچون فلسفه، انسان‌شناسی، اخلاق، حقوق، علوم سیاسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و... بازتاب دارد. برخلاف اندیشمندان مسلمان، تاکنون نظریه‌های بسیاری از سوی اندیشمندان غرب درباره این آموزه ارائه شده است. در مشهورترین تفسیر قانون طبیعی عبارتست از فرمانهای عقل عملی در مورد رفتارهای بشر برای رسیدن به خوشبختی. هدف این پژوهش، مطالعه انتقادی اندیشه تجربه‌گرایان دوره جدید در مورد قانون طبیعی و بیان کاستیهای این تفکر بشیوه عقلی، با بکارگیری استدلالهای فلسفی است. خوانش تجربه‌گرایان دوره جدید (قرنهای هفدهم و هجدهم میلادی)، مثل هابز و لاک، از آموزه عقلی قانون طبیعی، خوانشی تجربی است. بر اساس این خوانش، بدلیل آنکه روح پوزیتیویسم بر افکار تجربه‌گرایان حاکم بوده، بطور عام غیرمادی بودن نفس انسانی برای آنها پذیرفتنی نبوده است. آنان برای تبیین قانون طبیعی فقط به طبیعت انسان نگریسته و به هدفی فراتر از ارضای امیال طبیعی و مادی او نمی‌اندیشیده‌اند. این دسته از تجربه‌گرایان به مصالح اجتماعی بشر توجه نمیکردند، درحالیکه قانون طبیعی همیشه فرمان عقل عملی برای تکامل و پیشرفت انسان در همه امور مادی و معنوی، شخصی و گروهی،

۱۲۳

* دانشیار فلسفه حقوق، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران؛ mhtalebi@rihu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۸ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1400.12.3.8.8

سال ۱۲، شماره ۳
زمستان ۱۴۰۰
صفحات ۱۵۴ - ۱۲۳

فردی و اجتماعی و... است این رویکرد به قانون طبیعی، انسانها را فقط بسوی لذت‌های مادی و فناپذیر سوق داده و به هرآنچه مربوط به سعادت معنوی و دائمی زندگی در جهان آخرت است، بی‌اعتنا کرده است. بر این اساس، حق حیات و آزادی که از لوازم قانون طبیعی در مکتب تجربه‌گرایی دوره جدید تمدن غرب است، حیات و آزادی مادی است. این امر باعث نادیده گرفتن بخش بزرگی از جهان واقعیت، یعنی امور متافیزیک، شده است. این اندیشه زمینه سلطه فراگیر پوزیتیویسم بر همه جنبه‌های زندگی بشر در قرن نوزدهم را فراهم آورده و سبب شد موضوعات علوم یکسره تجربی شوند و مباحثات عقلی، بویژه درباره قانون طبیعی، بمدت بیش از یک قرن، به محاق بروند.

کلیدواژه‌گان: قانون طبیعی، تجربه‌گرایی، هابز، لاک، دوره جدید.

* * *

مقدمه

پیش از شروع بحث درباره آموزه قانون طبیعی در دوره جدید تمدن غرب، نظم طبیعی بحث می‌طلبد تاریخچه‌یی بسیار کوتاه از پیشینه ۲۴ قرن فراز و فرود این آموزه در آثار دانشمندان غرب تا پیش از دوره جدید بیان شود.

مفهوم «قانون طبیعی» ریشه در آثار فلسفی یونانیان باستان دارد. این مفهوم یکی از مهمترین و بنیادیتیرین مفاهیمی است که یونانیان قدیم به بحث درباره آن علاقمند بوده‌اند. «قانون طبیعی» در اندیشه یونانیان باستان، یعنی از قرن ششم پیش از میلاد مسیح تا قرن دوم میلادی، قانونی جهانشمول، ابدی و بی‌بدیل بوده و بنیادیتیرین منبع برای دانستن بهترین معیارهای زندگی بشر معرفی میشده است. نخستین فیلسوفان یونانی «قانون طبیعی» را قانونی میدانستند که مطابق طبیعت مادی اشیاء باشد.^۱ این فیلسوفان به قوانین فیزیکی حاکم بر جهان مادی توجهی عمیق داشتند. بهمین دلیل، یکی از مباحث مورد علاقه آنها تحقیق درباره عنصر تشکیل‌دهنده جهان طبیعت بود.

در قرن ششم پیش از میلاد مسیح، تالس (Thales)، آناکسیمندر (Anaximander) و آناکسیمانس (Anaximanes)، برخلاف پیشینیان، بجای پرداختن به بحث‌های خیال‌پردازانه افسانه‌یی، شیوه بحث عقلی را در برخورد با مسائل مهم جهان برگزیدند. در واقع، آنها پایه‌گذار

۱۲۴



سال ۱۲، شماره ۳
زمستان ۱۴۰۰